

## به توانی مهارت‌های دانشجویان رشته زبان و ادبیات عربی از طریق

### بازتعریف برنامه درسی دوره کارشناسی

بر اساس سرفصل‌های رشته هم‌شاخه، زبان و ادبیات فرانسه

علی‌اکبر نورسیده<sup>۱\*</sup>، ملیحه یعقوبی‌زاده<sup>۲</sup>

۱. دکترای رشته زبان و ادبیات عربی

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی دانشگاه شهید بهشتی

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۴/۰۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۱/۰۳

### چکیده

در کشور ما بر هیچ‌یک از دست‌اندرکاران رشته زبان و ادبیات عربی پوشیده نیست که فارغ‌التحصیلان این رشته فاقد توانایی‌ها و مهارت‌های کافی برای پر کردن بخش‌های حساس کشور هستند. به عقیده ما، عاملی که امروز مانع تحقق اهداف متعالی آموزش این رشته شده و فارغ‌التحصیلان آن را به افرادی فاقد توانمندی‌های لازم تبدیل کرده است، در یک کلام نقص‌های سرفصل دروس دوره کارشناسی و شیوه‌های تدریس آن است؛ بنابراین پژوهشگران در این مقاله تلاش خواهند کرد با توجه به سرفصل‌ها و شیوه‌های آموزشی رشته هم‌شاخه، زبان و ادبیات فرانسه، و بر اساس موفقیت نسبی این رشته در تربیت نیروی انسانی کارآمد، به ارائه یک الگوی به‌روزتر در بازتعریف سرفصل‌های پیش‌بینی شده برای این مقطع بپردازند.

**کلیدواژه‌ها:** بازتعریف، سرفصل دروس، به‌توانی، زبان و ادبیات عربی، زبان و ادبیات فرانسه.

### مقدمه

ایرانیان از دیرباز با زبان عربی آشنا بوده‌اند، اما پس از ورود شریعت مبین اسلام به ایران، زبان و ادب عربی در ایران گسترش یافت. زبان عربی در واقع کلید فهم فرهنگ قرآنی و اسلامی و بهترین وسیله برای ارتباط میان کشورهای اسلامی به شمار می‌رود و ضرورت آموزش آن در

نیاز کشور به متخصصان زبان عربی در سطوح مختلف قابل درک است. هم‌اکنون نیز رشته زبان و ادبیات عربی در مقاطع گوناگون، در بسیاری از دانشگاه‌های کشور دایر است و سالانه هزاران نفر در این رشته مشغول به تحصیل می‌شوند. اما متأسفانه امروزه با وجود هزینه‌های گزافی که برای آموزش عربی در دانشگاه‌های کشور صرف می‌شود، فارغ‌التحصیلان عملاً از عهده برآورده کردن توقعات برنیامده و عمدتاً دچار مشکل بیکاری هستند. به عقیده ما، عاملی که امروز مانع تحقق این هدف متعالی شده و فارغ‌التحصیلان این رشته را به افرادی فاقد توانمندی‌های لازم تبدیل کرده است، هدفمند نبودن طراحی برنامه درسی در پایه‌ای‌ترین مقطع تحصیلی یا در یک کلام «نقص‌های سرفصل دروس دوره کارشناسی» است. امری که سبب شده هدف‌گذاری‌ها جایگاه عملی خود را پیدا نکرده و اهداف اعلام‌شده با خروجی واقعی همخوانی نداشته باشد و این خود یک نشانه، بلکه یک زنگ خطر است.

بی‌شک مقطع کارشناسی، بهترین فرصت برای ایجاد توانمندی در فرد است. دانشجوی مقطع کارشناسی، همچون لوحی نیمه‌سفید وارد گروه آموزشی شده و بی‌اختیار تحت اجرای راهبردهای کوتاه‌مدت و بلندمدت گروه خود قرار می‌گیرد. این دانشجو پس از گذشت هشت ترم تحصیلی تقریباً آیینۀ تمام‌نمای فعالیت‌های گروه در طی این چهار سال است و ادامه روند تحصیلی وی در دوره‌های بالاتر نیز قطعاً در راستای پیش‌فرض‌های همین دوره قرار خواهد گرفت؛ بنابراین اگر مهارت‌های عمومی زبان در این مقطع در زبان‌آموز شکل بگیرد می‌توان آموزش‌های تخصصی را بر پایه آن برنامه‌ریزی نمود؛ چراکه بر اساس اصول کلی آموزش زبان، اولویت با زبان عمومی است. بر این اساس باید گفت که بهتر است با این معضل از طریق بازنگری در سرفصل دروس این مقطع مقابله نمود و ایجاد گرایش‌های تخصصی مانند «ترجمه هم‌زمان»، «ترجمه و رسانه»، «گردشگری»، «سلامت هدفمند»، «مترجم همراه»، و «بازاریابی جهان عرب» را به مقاطع بالاتر موکول کرد. اما پرسش اصلی اینجاست که دقیقاً چه نقص‌هایی در این سرفصل‌ها وجود دارد و از طریق چه تغییراتی باید این نقص‌ها را به حداقل رسانید.

شاید توجه به رشته‌های موفق هم‌شاخه در آموزش زبان دوم و بازتعریف سرفصل دروس رشته زبان و ادبیات عربی با نیم‌نگاهی به سرفصل‌های آنها، یکی از روش‌هایی باشد که می‌تواند ما را در تحقق این امر ضروری یاری دهد. از آنجاکه رشته زبان و ادبیات فرانسه یکی از همین رشته‌های موفق دانشگاهی است، این تطبیق می‌تواند میان دروس این دو رشته انجام شود؛ بنابراین

اگرچه خود، به وجود تفاوت‌های ماهوی میان این دو رشته و مقتضیات آن معترف هستیم، اما اشاره به این نکته را لازم می‌دانیم که این دو رشته تنها از نظر قرارگرفتن در مجموعه زبان‌های دوم مورد مقایسه قرار گرفته‌اند. از نظر جامعه زبان‌آموز نیز هرچند دانشجویان رشته زبان و ادبیات فرانسه در بدو ورود به دانشگاه مبتدی انگاشته شده‌اند و ملزم به گذراندن شانزده واحد زبان فرانسه مقدماتی در ترم اول تحصیلی هستند، اما اگر بتوان این شانزده واحد را معادل مجموع ساعاتی انگاشت که دانش‌آموزان قبل از ورود به دانشگاه در معرض آموزش زبان عربی قرار می‌گیرند، باید گفت دانشجویان ترم دوم رشته زبان و ادبیات فرانسه از نظر آشنایی با زبان جدید، هم‌تراز با دانشجویان جدیدالورود عربی هستند. پس این مقایسه چندان هم بی‌اساس نیست. همچنین گفتنی است هدف پژوهشگران در این مقاله به‌هیچ‌روی، تمجید از یک رشته و تحقیر دیگری نیست؛ بلکه صرفاً استمداد از تجارب یکی برای ارتقای دیگری است، تا شاید از این طریق، «هم‌افزایی تجربیات آموزش این دو زبان» را در جهت تحقق هدف خود به کار گرفته باشیم.

در این پژوهش تلاش شده است ضمن استفاده از پژوهش‌های پیشین و برای خودداری از موازی‌کاری‌های معمول، راهکاری نو ارائه شود. بر اساس آنچه ما یافتیم، پژوهش‌های انجام‌شده در این زمینه - که از تعداد انگشتان دست تجاوز نمی‌کند - به شرح زیر است:

۱. میرزایی و سلیمی (۱۳۸۹) در مقاله‌ای با عنوان «نقش‌آفرینی گروه‌های زبان و ادبیات عربی در توسعه علمی دانشگاه‌ها» به بررسی مسئولیت‌ها و اختیارات گروه‌های آموزشی عربی در کشور پرداخته‌اند. در این مقاله نویسندگان با تکیه بر نگرش آینده‌پژوهانه و با اشاره به نقش کلیدی گروه‌های عربی، به ضرورت به‌روزرسانی این رشته و لزوم ایجاد گرایش‌های جدید در آن اشاره کرده‌اند اما در این زمینه به ارائه راهکارهای عینی نپرداخته‌اند.

۲. جلالی، گنجی و اصلانی (۱۳۹۲) نیز در مقاله «دراسة مدی فاعلیة تدریس الأدب العربی المعاصر توأصلیاً علی مهارة الکلام لدی طلاب العربیة الإیرانیین، جامعه إصفهان نموذجاً»، درباره واحدهای مربوط به متون ادبی سخن رانده و پس از یک نقد کوتاه بر کثرت این واحدهای درسی در صفحات ابتدایی مقاله، بر اساس اصول زبان‌شناسی به طراحی یک روش علمی برای تدریس این واحدها در جهت تحقق همین هدف اقدام نموده‌اند.

۳. پایان‌نامه کارشناسی ارشد سجاد اسماعیلی (۱۳۹۱) که با عنوان «تعلیم النصوص الأدبیه فی أقسام اللغة العربیة وآدابها بالجامعات الإیرانیة ومدی تحقق أهدافها» به راهنمایی عیسی متقی‌زاده در دانشگاه تربیت مدرس دفاع شده نیز محتوایی نزدیک به همین دارد.

از آنجاکه پیش‌تر، پژوهشگران، متخصصان، و اساتید فن به تفصیل و به قدر کفاف در نقد شیوه‌ها و راه‌های تدریس واحدهای درسی هر دو رشته سخن رانده‌اند، ما در این پژوهش بیشتر تمرکز خود را بر نقد سرفصل دروس معطوف می‌کنیم و جز اشاراتی کوتاه - آن‌هم در صورت نیاز - به نقص‌های فنون تدریس نخواهیم داشت. برای درک ضرورت این نقد نیز نگاهی گذرا به اسناد ملی موجود، برای همگان کافی است. در فصل دوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مستقیماً بر لزوم آموزش زبان عربی تصریح شده‌است. بر اساس اصل شانزدهم این قانون «از آنجاکه زبان قرآن و علوم و معارف اسلامی، عربی است و ادبیات فارسی کاملاً با آن آمیخته است، این زبان باید پس از دوره ابتدایی تا پایان دوره متوسطه، در همه کلاس‌ها و در همه رشته‌ها تدریس شود» (ورعی، ۱۳۸۵: ۲۴۴). نکته جالب‌توجه دیگر این است که وقتی به فصل چهارم نقشه جامع علمی کشور، مصوب سال ۱۳۸۹ ذیل راهبرد کلان شماره ۹ - که به تعامل فعال و اثرگذار علمی و فناوری با کشورهای دیگر به‌ویژه کشورهای منطقه و جهان اسلام اشاره دارد - مراجعه می‌کنیم، بند پنجم از

۱. منابعی برای اطلاعات بیشتر:

مقالات: همایونی و همکاران، آموزش اهداف عمومی و دانشگاهی در مکالمه زبان عربی با تکیه بر سیلابس مفهومی - کاربردی و روش کارمحور (۱۳۹۳) / متقی‌زاده و همکاران، میزان اجرای روش‌ها و فنون تدریس قواعد در مقطع کارشناسی رشته زبان و ادبیات عربی از نظر استادان و دانشجویان (۱۳۹۲) / متقی‌زاده و همکاران، بررسی و نقد میزان اجرای راهبردهای تدریس متون شعری در دوره کارشناسی رشته زبان و ادبیات عربی (۱۳۹۱) / احمدی و همکار، تعلیم اللغة العربیه فی ایران در اسسه نقدیه فی أهدافها و مناهجها (۱۳۹۱) / الجمعی محمود بولعراس و همکاران، مبادئ تعلیم العربیه الإسهمات الممكنه للمقاربات الحدیثه (۱۳۹۱) / متقی‌زاده و همکاران، تحلیل و بررسی عوامل ضعف دانشجویان رشته زبان و ادبیات عربی در مهارت‌های زبانی از دیدگاه استادان و دانشجویان این رشته (۱۳۸۹) / متقی‌زاده، الحاجات العلمیه لمتعلمی العربیه من الناطقین بغيرها (۱۳۸۹) / پورجمشیدی و همکار، نقش راهبردها و فنون آموزشی در تدریس صرف و نحو عربی (۱۳۸۹) / پروینی، بررسی و نقد روش آموزش زبان عربی به شیوه مستقیم (۱۳۸۹) / تقوی، تعلیم اللغة العربیه للناطقین بغيرها بین منهج القواعد و الترجمة و المناهج الحدیثه (بی‌تا).

پایان‌نامه‌ها: سجاد اسماعیلی، تعلیم النصوص الأدبیه فی أقسام اللغة العربیه و آدابها بالجامعات الإیرانیه ومدی تحقق أهدافه (دانشگاه تربیت مدرس، کارشناسی ارشد، ۱۳۹۱) / مریم جلائی، دراسه المدخل التواصلی فی تدریس الأدب العربی المعاصر لطلاب العربیه الإیرانیین (دانشگاه اصفهان، دکتری، ۱۳۹۱) / زهره شیبانی، بررسی و نقد دروس مهارت‌های شنیداری و تأثیر متون ادبی در تقویت این مهارت در رشته زبان و ادبیات عربی در دانشگاه‌های دولتی ایران (دانشگاه تربیت مدرس، کارشناسی ارشد، ۱۳۹۱).

اقدامات ملی را به شرح زیر می‌یابیم: «اصلاح و تحول در روش‌های آموزش زبان، به‌ویژه زبان عربی و انگلیسی در مقاطع آموزش عمومی» (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۸۹: ۵۱). همچنین در ابتدای سند چشم‌انداز بیست‌ساله چنین آمده‌است: «ایران در پایان سال ۱۴۰۴ش کشوری است توسعه‌یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه... برخوردار از دانش پیشرفته، توانا در تولید علم و فناوری، متکی بر سهم برتر منابع انسانی و سرمایه اجتماعی» (پایگاه اطلاع‌رسانی دولت، ۱۳۸۲: ۱). در نتیجه به‌روشنی قابل درک است که تقویت بنیه علمی دانشجویان رشته عربی، کاملاً در راستای تحقق اسناد بالادستی نظام قرار دارد. همچنین بر اساس آخرین نتایج به‌دست‌آمده در نظرسنجی انجام‌شده در پایگاه خبری انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی - به عنوان مرجع اساسی اساتید و دانش‌آموختگان این رشته در کشور - «به‌روز کردن سرفصل دروس بر اساس نیازهای کشور» از میان پنج گزینه ارائه‌شده حائز بیشترین تعداد آرا (۶۶/۶ درصد) است که این خود به اتفاق نظر فرهیختگان بر لزوم این بازنگری اشاره دارد (پایگاه انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی، ۱۳۹۳/۱۱/۱ش). تا به امروز، اختیارات بسیاری از جانب وزارت علوم به دانشگاه‌ها واگذار شده تا گروه‌های آموزشی، دارای میدان کافی در بازنگری جامع رشته‌ها و به‌روزرسانی آنها و سرفصل دروسشان باشند (وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، ۱۳۷۲: ۴۵۸-۴۵۷ و وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، ۱۳۷۹: ماده ۱)؛ اما برای گام‌نهادن در این مسیر لازم است همه گروه‌های عربی به‌طور جدی وارد عمل شده و با در نظر گرفتن بازار کار هدف، به بازتعریف سرفصل دروس بپردازند. حرکتی که از مدتی پیش در تعداد انگشت‌شماری از گروه‌های عربی کشور مانند گروه‌های عربی دانشگاه‌های اصفهان، سمنان و تربیت مدرس آغاز شده و امید است در آینده‌ای نه‌چندان دور تبدیل به انقلابی فراگیر در همه گروه‌های عربی کشور گردد.

### معرفی رشته زبان و ادبیات عربی

زبان و ادبیات عربی یکی از رشته‌های آموزشی در نظام آموزش عالی است که هدف آن تربیت افرادی است که بتوانند نیازهای سازمان‌های مختلف کشور را از لحاظ کاربرد این زبان برآورده نمایند. تحصیل در مقاطع تحصیلات تکمیلی این رشته احتیاجات کشور را در زمینه‌های

مختلف مانند تحقیقات و تعلیمات مرتفع می‌سازد و نظام آموزش آن مطابق با آیین‌نامه مصوب شورای عالی برنامه‌ریزی است (پایگاه گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه شهید بهشتی).

### اهداف، سرفصل دروس و توانمندی‌های فارغ‌التحصیلان رشته

بنا بر نصّ صریح قانون اساسی مهم‌ترین هدف آموزش زبان عربی در ایران چیزی جز آشنایی با مفاهیم قرآن و حدیث نیست، اما گروه‌های عربی کشور چشم‌اندازهای دیگری را نیز برای این رشته تعریف نموده‌اند. «افزایش توانش دانشجو در برقراری ارتباط و نگارش مقالات، شناخت تاریخ ادبیات و کشورهای عربی، شناخت زبان‌شناسی عربی و به‌کار بستن آن در ترجمه، شناخت ترجمه متون حقوقی به‌منظور به‌کار بستن آن هنگام اشتغال در دارالترجمه‌ها و شناخت نقد و تحلیل ادبی»، از جمله همین اهداف به‌روزشده آموزش زبان عربی در ایران است (پایگاه گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه اصفهان). بخشی از توانمندی دانش‌آموختگان این رشته نیز این‌گونه تعریف شده است: «دانش‌آموختگان این رشته قادرند نیاز ادارات مختلف از قبیل وزارت امور خارجه، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان میراث فرهنگی و جهانگردی، رسانه‌های گروهی و غیره را برآورده سازند. همچنین می‌توانند به عنوان دبیر یا استاد مشغول به تدریس شوند» (پایگاه گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه تهران).

دروس این رشته مشتمل بر ۱۴۴ واحد است که از این تعداد ۲۲ واحد مربوط به دروس عمومی است و دروس تخصصی با صرف‌نظر از اختلافات جزئی موجود در برنامه درسی گروه‌های عربی در دانشگاه‌های کشور عبارتند از: صرف ۱ تا ۳، نحو ۱ تا ۷، علوم بلاغی ۱ و ۲، آزمایشگاه زبان ۱ تا ۳، مکالمه ۱ تا ۳، انشاء ۱ تا ۳، عروض و قافیه، نامه‌نگاری و خلاصه‌نویسی، ترجمه از عربی به فارسی و برعکس، نقد ادبی، ادبیات تطبیقی، روزنامه و مجلات عربی، فن ترجمه، فقه‌اللغه، روش تحقیق و مآخذشناسی، قرائت و ترجمه و تجرید قرآن کریم، تاریخ ادبیات از دوره جاهلی تا پایان دوره اموی، متون نظم و نثر آن، تاریخ ادبیات دوره عباسی اول، متون نظم و نثر آن، تاریخ ادبیات دوره عباسی دوم، متون نظم و نثر آن، تاریخ ادبیات از سقوط بغداد تا معاصر، متون نظم و نثر آن، تاریخ ادبیات اندلس، متون نظم و نثر آن، تاریخ ادبیات معاصر ۱ و ۲، متون نظم و نثر آن، متون نظم و نثر عربی در ایران از آغاز

تا سقوط بغداد و از سقوط بغداد تا معاصر، ادب سیاسی در اسلام، نهج البلاغه، متون حدیث، قرائت متون عرفانی، قرائت متون تفسیری قرآن کریم و زبان تخصصی ۱ و ۲.

### معرفی رشته زبان و ادبیات فرانسه

یکی از رشته‌های موفق دانشگاهی در آموزش زبان خارجی به عنوان زبان دوم<sup>۱</sup>، رشته زبان و ادبیات فرانسه است. رشته‌ای از شاخه زبان‌های خارجی که هم‌اکنون در سه مقطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترا در اغلب دانشگاه‌های معتبر کشور در حال ارائه بوده و تا حدود زیادی توانسته است به اهداف و آمال دوردست خود در تربیت فارغ‌التحصیلان کارآمد و دارای مهارت‌های لازم برای پاسخ‌گویی به نیازهای متعدد بازار کار دست یابد.

### اهداف، سرفصل دروس و توانمندی‌های فارغ‌التحصیلان رشته

هدف اعلام‌شده از سوی شورای عالی برنامه‌ریزی، در خصوص آموزش زبان‌های غیرانگلیسی، یعنی «قطع وابستگی کشور نسبت به زبان انگلیسی و نظام تک‌زبانی» در صدر این اهداف است؛ چراکه فارغ‌التحصیل رشته زبان خارجی در واقع زبان گویا و گوش شنوای جامعه فارسی‌زبان در مقیاس جهانی است. در بخشی دیگر از اهداف تعریف‌شده برای آموزش این رشته چنین می‌خوانیم: در مقطع کارشناسی، هدف، تربیت کارشناسانی است که بتوانند ادب و فرهنگ ایرانی و معارف اسلامی را به جوامع دیگر معرفی کنند یا با تحقیق در کتب خارجی، جامعه خود را از آخرین پیشرفت‌ها آگاه سازند. تربیت مدرسان و مترجمان توانمند، تقویت دانش زبان‌شناختی دانشجویان و پرورش روحیه تحلیل، نقد و استنباط فردی از اهداف شاخص آموزش زبان فرانسه در مقاطع بالاتر است. فارغ‌التحصیلان مقطع دکتری نیز توانایی تحقیق در مؤسسات آموزش عالی، ارائه نقدهای جدید از آثار ادبی بر اساس دستاوردهای نوین روش‌شناسی و نظریه‌های علوم انسانی را خواهند داشت (پایگاه گروه زبان و ادبیات فرانسه دانشگاه تهران). برنامه‌ریزی آموزشی این رشته هم در راستای تحقق هدف‌گذاری‌های بلندمدت آن در تربیت فارغ‌التحصیلانی است که قادرند با مراکز حساس داخلی و خارجی همکاری کنند. مراکزی همچون وزارت امور خارجه، روابط بین‌الملل، قوه

قضائیه (مترجم رسمی)، دادگستری‌ها، وزارتخانه‌های نفت و صنایع دفاع، سفارت‌خانه‌های ایران در کشورهای فرانسوی‌زبان (فرانسه، سوئیس، کانادا، بلژیک و اغلب کشورهای افریقایی)، سازمان ملل (مترجم رسمی)، صداوسیما، خبرگزاری‌ها، وزارت ارشاد، مطبوعات، پلیس بین‌الملل، سازمان تبلیغات اسلامی، وزارت آموزش و پرورش، مؤسسات آموزشی و تحقیقاتی غرب‌شناسی، شرکت‌های تجاری، دارالترجمه‌ها و... (پایگاه گروه زبان و ادبیات فرانسه دانشگاه تبریز).

بر اساس مصوبه شورای عالی برنامه‌ریزی، تعداد کل واحدهای درسی در مقطع کارشناسی این رشته ۱۵۰ واحد است که از این تعداد ۲۲ واحد دروس عمومی و بقیه تخصصی هستند. فهرست این دروس با صرف نظر از اختلافات جزئی موجود در برنامه درسی گروه‌های فرانسه در دانشگاه‌های کشور به این شرح است: زبان فرانسه مقدماتی، گفت‌و شنود ۱ و ۲، گرامر ۱ تا ۳، ترجمه ساده، ترجمه فرانسه به فارسی و بالعکس، ترجمه نظم و نثر، خواندن متون اسلامی و ترجمه آن، خواندن و ترجمه متون مطبوعاتی، وقایع‌نگاری، گزارش‌نویسی، انشا، نامه‌نگاری، نگارش، نگارش پیشرفته، مکالمه، بیان شفاهی داستان، سخنرانی، مناظره، سنجش مهارت‌های زبانی، روش تحقیق، آواشناسی، واژه‌شناسی، زبان‌شناسی عمومی، زبان‌شناسی ادبی، آشنایی با نقد ادبی، درآمدی بر ادبیات تطبیقی، تفسیر متون ادبی، درک مفهوم متن، تاریخ ادبیات فرانسه، نویسندگان فرانسوی‌زبان، رمان و نثر قرون ۱۷ و ۱۸ فرانسه، نمایشنامه قرون ۱۷ و ۱۸، شعر قرون ۱۷ و ۱۸، رمان قرن ۱۹، نمایشنامه قرن ۱۹، شعر قرن ۱۹، رمان قرن ۲۰، نمایشنامه قرن ۲۰، شعر قرن ۲۰، ادبیات معاصر فرانسه. البته دانشجویان ملزم است در اولین نیم‌سال تحصیلی ورود به دانشگاه، دوره مقدماتی زبان فرانسه (۱۶ واحد) را با حداقل نمره قبولی بگذرانند. این تفاوت در برنامه درسی دوره کارشناسی زبان فرانسه با برنامه درسی زبان عربی و انگلیسی به این دلیل است که بیشتر دانشجویان رشته زبان فرانسه، در بدو ورود به دانشگاه با این زبان هیچ‌گونه آشنایی ندارند. به همین دلیل در دانشگاه، زبان فرانسه از پایه آموزش داده می‌شود.

### بررسی وجوه افتراق دروس دو رشته با نگاه تطبیقی

با نگاهی دقیق‌تر به سرفصل دروس دو رشته می‌توان این اختلافات را میان آنها برشمرد:

## الف) تفاوت در شیوه نگرش برنامه‌ریزان آموزشی

بر همگان مسجل است که شیوه نگاه برنامه‌ریزان امر آموزش از عوامل بسیار مؤثر در تحقق اهداف آموزشی است. متأسفانه امروز یک‌سونگری برنامه‌ریزان آموزشی رشته زبان عربی موجب شده که نتوان برای بسیاری از زبان‌آموزان افق روشنی را ترسیم کرد. در مقابل، یکی از دلایل موفقیت نسبی رشته زبان فرانسه، نوع نگاه گروه‌های آموزشی این رشته است؛ چراکه دست‌اندرکارانش آموزش آن را به عنوان هدف نهایی نپنداشته و به دنبال آن در پی آماده‌سازی زبان‌آموز برای ورود به بازار کار هستند، تا به این ترتیب خلأهای موجود را پُر کنند. برای مثال در گرایش مترجمی، دانشجویان با تئوری‌های ترجمه آشنا می‌شود و نگرشی کلی نسبت به موضوع ترجمه پیدا می‌کند، آنگاه طی نیم‌سال‌های متعدد و به مرور، ترجمه جملات کوتاه و بلند، جملات پیچیده و مرکب و بالأخره ترجمه متون ادبی یا دیگر متون سنگین را فرامی‌گیرد و در نهایت می‌تواند با سرعتی مناسب و کیفیتی مطلوب به ترجمه کتبی یا شفاهی این زبان بپردازد. در گرایش زبان و ادبیات نیز، دانشجویان پس از آشنایی عمومی با زبان و توانایی استفاده از آن، با ادبیات فرانسه به طور گسترده‌ای آشنا می‌شوند.

از نظرگاه ما، برخلاف آنچه برخی از پژوهشگران و دست‌اندرکاران رشته زبان عربی بدان معتقدند<sup>۱</sup>، سهم بیشترین تأثیر در فرایند یادگیری، متعلق به انگیزه یا هوش زبان‌آموز نیست؛ زیرا تمام کسانی که قدرت یادگیری زبان مادری را داشته‌اند می‌توانند زبان دوم یا حتی سوم را نیز فراگیرند، بلکه عامل مؤثر را باید در روش‌های آموزشی جست‌وجو کرد. در نگرش ما هر کس با هماهنگ کردن تصاویر ذهنی خود از زبان اول با فاکتورهای زبان جدید (امری که بر عهده آموزش است)، می‌تواند بر زبان جدید تسلط یابد. تا آنجا که حتی آلر<sup>۲</sup> در سال ۱۹۸۱م در مقاله‌ای جنجال‌برانگیز زبان را عامل تقویت هوش برشمرد، و چنین می‌گوید: «ممکن است زبان فقط یک حلقه مهم و حیاتی در بُعد اجتماعی شکل‌گیری هوش نباشد، بلکه ممکن است خود اساس و مبنای هوش باشد» (آلر، ۱۹۸۱:

۱. حجت رسولی، «ریشه‌یابی مشکلات آموزش زبان عربی در دانشگاه‌های ایران»، مجله پژوهشنامه علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۴۷ و ۴۸، ۱۳۸۴ه.ش، صص ۵۸-۴۳ و عیسی متقی‌زاده و همکاران، «تحلیل و بررسی عوامل ضعف دانشجویان رشته زبان و ادبیات عربی در مهارت‌های زبانی از دیدگاه استادان و دانشجویان این رشته»، فصلنامه پژوهش‌های زبان و ادبیات تطبیقی، دوره ۱، شماره ۱، ۱۳۸۹ه.ش، صص ۱۳۷-۱۱۵.

۲. Oller.

۶۶. ا.ج. استرن<sup>۱</sup> نیز برای آموزش زبان دوم، شیوه‌ای مبتنی بر هفت اصل را بر اساس روش یادگیری زبان اول طراحی کرده‌است» (استرن، ۱۹۷۰: ۵۸-۵۷)؛ بنابراین بر برنامه‌ریزان امر آموزش لازم است که ابتدا اهداف آموزش را چه از حیث کمیت و چه از حیث کیفیت مشخص نموده، آنگاه راهکارها و ترتیب اجرای آنها را مشخص نمایند و سپس برنامه‌ریزی نهایی را آغاز کنند (محسن‌پور، ۱۳۷۷: ۴۳).

### ب) مقایسه مواد درسی قواعد و دستور زبان و زیبایی‌شناسی ادبی

واحدهای مربوط به این گروه از دروس، در رشته زبان و ادبیات عربی شامل: صرف ۱ تا ۳، نحو ۱ تا ۷، علوم بلاغی ۱ و ۲ و عروض و قافیه، و در رشته زبان و ادبیات فرانسه عبارت از: زبان فرانسه مقدماتی، گرامر ۱ تا ۳ و واژه‌شناسی هستند. خوشبختانه در سال‌های اخیر در برنامه جدید درسی رشته عربی تعداد واحدهای مرتبط با حوزه دستور زبان به طور قابل توجهی افزایش یافته و شیوه‌های تدریس آن نیز با تحول مواجه شده‌است. البته قواعد این زبان و مسائل زیبایی‌شناسانه بلاغی از قرن‌ها پیش مورد توجه علمای بزرگ بوده و به‌طورجدی نسبت به حفظ و تدوین آنها همت گماشته شده‌است. تا آنجاکه به دنبال این تلاش‌های پیگیر، امروز در این حوزه شاهد پیشرفت‌های زیادی در زمینه تألیف کتاب هستیم و در دهه‌های اخیر هم کتاب‌های درسی بسیاری با هدف بهبود تعلیم دستور زبان عربی در کشور به رشته تحریر درآمده‌است. احمد پاشازانوس به عنوان یکی از همین مؤلفان در مقدمه کتاب خود می‌نویسد: «پس از مدت‌ها تحصیل و تدریس در دانشگاه‌های مختلف کشور به این نتیجه رسیدم که دانشجویان رشته زبان عربی در یادگیری قواعد این زبان، علی‌الخصوص در دو زمینه صرف و نحو با مشکل مواجه هستند... لذا بر خود لازم دیدم که نسبت به تألیف کتابی در علم صرف اقدام نمایم» (پاشازانوس، ۱۳۸۶: ۱۳) و این تنها مشتی از نمونه خرواری است که بر اهتمام گسترده دست‌اندرکاران رشته زبان عربی نسبت به دستور زبان اشاره دارد. حتی شاید بتوان ادعا کرد که رشته زبان عربی در این حوزه، گوی سبقت را از رشته زبان فرانسه ربوده و بر آن پیشی گرفته‌است. چراکه بر اساس شواهد موجود، آموزش قواعد در رشته زبان فرانسه تحت عناوین محدود درسی و عموماً با تکیه بر منابع خارجی بوده و این رشته در حوزه دستور زبان هنوز به مرحله بومی‌سازی نرسیده‌است.

۱. H.H. Stern

### پ) تفاوت در تعداد واحدهای مربوط به مهارت‌های چهارگانه زبانی

دروس مربوط به مهارت‌های زبانی در رشته زبان و ادبیات عربی عبارتند از: مکالمه ۱ تا ۳ شش واحد، آزمایشگاه زبان ۱ تا ۳ شش واحد، انشا ۱ تا ۳ شش واحد، فن ترجمه ۲ واحد، ترجمه از عربی به فارسی و برعکس ۴ واحد، روزنامه‌نگاری ۲ واحد، روزنامه و مجلات عربی ۲ واحد، نامه‌نگاری و خلاصه‌نویسی ۲ واحد، قرائت و تجوید قرآن کریم ۲ واحد. اما دروس مربوط به مهارت‌های زبانی در رشته زبان و ادبیات فرانسه به این شرح است: گفت‌و شنود ۱ و ۲ هشت واحد، انشا ۴ واحد، آیین نگارش ۴ واحد، ترجمه ساده ۲ واحد، وقایع‌نگاری ۲ واحد، بیان شفاهی داستان ۲ واحد، ترجمه متون اسلامی ۲ واحد، مکالمه ۲ واحد، گزارش‌نویسی ۲ واحد، نگارش پیشرفته ۲ واحد، خواندن و ترجمه متون مطبوعاتی ۲ واحد، خواندن متون اسلامی ۲ واحد، مناظره ۴ واحد، ترجمه نظم و نثر ۲ واحد، ترجمه متون فرانسه به فارسی و بالعکس ۴ واحد، سنجش مهارت‌های زبانی ۲ واحد، سخنرانی ۲ واحد و نامه‌نگاری ۲ واحد.

به این ترتیب دانشجویان مقطع کارشناسی رشته زبان و ادبیات عربی در بهترین حالت، در زمینه مهارت‌های زبانی، بیش از ۳۲ واحد درسی را پشت سر نمی‌گذارند اما دانشجویان رشته زبان و ادبیات فرانسه ملزم به گذراندن چیزی معادل ۵۰ واحد درسی در همین زمینه هستند. مضاف بر اینکه این واحدها نسبت به واحدهای مربوط به مهارت‌های زبانی رشته عربی از تنوع و شمول بیشتری نیز برخوردار است. این در حالی است که آموزش و شیوه‌های تدریس در همین تعداد اندک واحدها نیز با خلل و کاستی‌های فراوانی مواجه است. مسئله‌ای که بارها از سوی دلسوزان، مطرح شده و مقالات متعددی در مورد آن نوشته شده است.<sup>۱</sup> نتیجه حاصل از برخی پژوهش‌های اخیر<sup>۲</sup> نیز نشان داده که امروزه عموماً در آموزش تخصصی زبان دوم در دانشگاه‌های ما، استفاده از نرم‌افزارهای آموزشی جایگاه مناسب خود را نیافته است. بیشتر مدرسان زبان در ایران، شناخت مناسبی از ابزارها، راهبردهای الکترونیکی و نرم‌افزارهای موجود در رشته خود ندارند و آنها را به کار نمی‌گیرند و حتی دانشکده‌های زبان خارجی نیز

۱. همین مقاله، ذیل پژوهش‌های پیشین

۲. برای اطلاعات بیشتر: جعفر امشاسفند، «مکانه التقنیات الحدیثه فی تعلیم المهارات الأساسیه للغه العربیه»، مجله اللغه العربیه و آدابها، سال ۵، شماره ۸، بهار و تابستان ۱۴۳۰ه.ق/۲۰۰۹م، صص ۲۳-۵/ عیسی متقی‌زاده و همکاران، «میزان اجرای روش‌ها و فنون تدریس قواعد در مقطع کارشناسی رشته زبان و ادبیات عربی از نظر استادان و دانشجویان»، فصلنامه جستارهای زبانی، دوره ۴، شماره ۲ (پیاپی ۱۴)، تابستان ۱۳۹۲ه.ش، صص ۱۷۸-۱۵۹.

به شکل محدود از آنها استفاده می‌کنند (ده‌باشی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۰۸). البته گاه در آموزش واحدهای مرتبط با آموزش مهارت‌های زبانی - و به‌ویژه در آزمایشگاه‌های زبان - تکنولوژی، خود از موانع یادگیری به شمار رفته و بر فرآیند آموزش تحمیل می‌گردد و یا حتی جای «پرورش» را می‌گیرد اما باید توجه داشت که این موارد تا آنجا که در خدمت یادگیری و بُعد پرورشی آن باشد ارزشمندند. نظریه معروف کارل راجرز<sup>۱</sup> نیز در مقام یک روان‌شناس یادگیری به تأثیر انکارناپذیر محیط آموزشی بر یادگیری اشاره دارد. طبق نظریه وی ضرورت دارد که گویش‌ور تسهیل‌کننده امر یادگیری باشد و تحقق این نقش تسهیل‌کننده نیز مستلزم سه چیز است؛ نخست اینکه نقاب برتری و همه‌چیزدانی را کنار بزند، دوم به یادگیرنده اعتماد کند، و سوم با درک متقابل با یادگیرنده ارتباط برقرار کند (براون، ۱۳۸۷: ۱۴۶-۱۴۵). البته چاموت<sup>۲</sup> یک گام از این مرحله هم فراتر رفته و می‌گوید درحالی‌که ما در پی تبدیل کلاس زبان به محیطی کارآمد برای یادگیری هستیم این امر بیش‌ازپیش مشخص شده‌است که یاد دادن روش یادگیری به زبان‌آموزان بسیار مهم‌تر است (چاموت، ۲۰۰۵: ۱۲۳).

### ت) تفاوت در تعداد واحدهای تاریخ ادبیات و متون و نوع ارائه آنها

واحدهای مربوط به تاریخ ادبیات و نصوص در رشته زبان و ادبیات عربی عبارتند از: تاریخ ادبیات از جاهلی تا ابتدای معاصر و متون نظم و نثر آنها ۲۰ واحد، تاریخ ادبیات اندلس و معاصر و متون نظم و نثر آنها ۱۲ واحد، متون نظم و نثر عربی در ایران از آغاز تا معاصر ۴ واحد، متون حدیث ۲ واحد، نهج‌البلاغه ۲ واحد، ادب سیاسی در اسلام ۲ واحد، قرائت متون عرفانی ۲ واحد، قرائت متون تفسیری ۲ واحد (مجموعاً ۴۶ واحد درسی). در مقابل واحدهای مربوط به تاریخ ادبیات و نصوص مختلف در رشته زبان و ادبیات فرانسه به این شرح است: تفسیر متون ادبی ۳ واحد، درک مفهوم متن ۴ واحد، تاریخ ادبیات فرانسه ۲ واحد، نویسندگان فرانسوی‌زبان ۲ واحد، رمان و نثر قرون ۱۷ و ۱۸ فرانسه ۳ واحد، نمایشنامه قرون ۱۷ و ۱۸ فرانسه ۳ واحد، شعر قرون ۱۷ تا ۲۰ فرانسه ۶ واحد، رمان قرن ۱۹ و ۲۰ فرانسه ۷ واحد، نمایشنامه قرن ۱۹ و ۲۰ فرانسه ۶ واحد، ادبیات معاصر فرانسه ۲ واحد (مجموعاً ۳۸ واحد درسی).

۱. Carl Rogers

۲. Anna Chamot

اگر به این مواد درسی نظری عمیق بیفکنیم خواهیم دید که متون ادبی دوره‌های مختلف ادبیات عربی، در سیستم آموزش زبان عربی، دارای حجمی غیرقابل چشم‌پوشی هستند، به طوری که حتی اگر ادعا کنیم آموزش زبان عربی در دانشگاه‌های ما، آموزشی «ادبیات‌محور» است، به‌طورقطع و یقین مبالغه نکرده‌ایم (جلایی و همکاران، ۱۳۹۲: ۲۸). این برنامه درسی با نگاهی به برنامه درسی عرب‌زبانان در تدریس ادبیات عربی تدوین شده‌است. اما توجه به این نکته ضروری است که آموزش ادبیات عربی به عرب‌زبانان، خود به عنوان هدف مطرح است درحالی که هدف این آموزش در مواجهه با غیر عرب‌زبانان تقویت زبان و آشنایی با فرهنگ عربی در سایه آن است (طعیمه، ۱۹۸۶، ۲: ۶۷۸-۶۷۷). و این در حالی است که دانشجویان رشته زبان و ادبیات فرانسه بیشتر تحت آموزش زبان قرار می‌گیرند تا آموزش ادبیات. نکته جالب توجه دیگر اینکه این نصوص ادبی، هم به تفکیک دوره و هم به تفکیک نوع ادبی (رمان، نمایشنامه، شعر) به آنان ارائه می‌شود؛ بنابراین تلفیق تاریخ ادبیات هر دوره با متون آن را می‌توان گامی مؤثر در رفع این نقیصه به شمار آورد. چراکه «برخی از تعاریف بر روابط افقی حوزه‌ها و محتوای برنامه درسی با یکدیگر تأکید می‌کنند» (همان: ۱۸۶). درست مانند برقرار کردن رابطه، میان آنچه در سه حوزه قواعد زبان، تاریخ ادبیات و متون ادبی یافت می‌شود.

### ث) تفاوت در زمان مواجهه کردن زبان‌آموز با متون ادبی

در رشته ما، گویش‌ور درحالی که هنوز توانمندی‌های لازم برای درک درست متون ساده عربی را در زبان‌آموز به وجود نیاورده‌است، وی را با متون سنگین ادبی مواجه می‌سازد. تفاوتی نمی‌کند که این مواجهه با متون معاصر آغاز شود یا با متون دوره جاهلی. به هر ترتیب فرایندی که با چنین خطای بزرگی آغاز شود، بی‌شک به سرانجام مطلوب نخواهد انجامید. مهدی اصغری، مسئول آموزش مرکز تخصصی آموزش عربی می‌گوید: «شکل معرفی زبان عربی و شروع آموزش آن شروع واقع‌گرایانه‌ای نیست. معمولاً ما آموزش عربی را با آیات و احادیث شروع می‌کنیم، درحالی که هیچ کتاب آموزش زبان انگلیسی با کلمات شکسپیر انگلیسی را شروع نمی‌کند و ما هم آموزش زبان فارسی را به غیرفارسی‌زبان‌ها با شاهنامه یا مثنوی مولوی یا دیوان حافظ شروع نمی‌کنیم!» (اصغری، ۱۳۹۳/۶/۱۵). همان‌طور که متقی‌زاده نیز در تأیید این مسئله می‌گوید: «تدریج در تعلیم زبان امری طبیعی است که با طبیعت فرایند یادگیری زبان

جدید هم‌خوانی دارد. بنابراین باید به این عامل به دیده‌ی اهتمام بنگریم و عناصر سهولت و انتقال از خاص به عام را رعایت نماییم» (متقی‌زاده، ۱۳۸۹: ۱۵). اما هم‌اکنون در گروه‌های فرانسه سراسر کشور، دانشجو تا سال سوم تحصیل یعنی نیم‌سال پنجم آموزشی، بیشتر با خود زبان و تولیدات ابتدایی آن سروکار دارد و تنها پس از آن است که با متون ادبی - آن هم به تفکیک نوع ادبی - مواجه می‌شود. بدین ترتیب آموزش دانشجویان دوره کارشناسی در دو مرحله اجرا می‌شود: در مرحله اول بیشتر به آموزش دوره‌های آموزش زبان پرداخته می‌شود. در این دوره از آموزش، دانشجویان تازه‌وارد تا ترم چهارم آموزشی و بعد از گذراندن دوره‌های آزمایشگاه سمعی و بصری، به یادگیری دروس آواشناسی، گرامر، واژه‌شناسی، زبان‌شناسی، انشا، خواندن و درک مفهوم متون، مکالمه و غیره می‌پردازند. پس از ترم چهارم، دانشجویان همراه با آموزش زبان، بیشتر به آموزش ادبیات فرانسه مخصوصاً ادبیات قرن بیستم می‌پردازند و دروسی چون نقد ادبی از دیدگاه جامعه‌شناختی، ساختارگرایی و غیره را فرامی‌گیرند. همچنین به طور موازی و هم‌زمان ترجمه متون ادبی، ترجمه متون مطبوعاتی، نگارش پیشرفته، نمایشنامه و ساختار آن را نیز دنبال می‌کنند.

وان باسل<sup>۱</sup> و دوگرو<sup>۲</sup> معتقدند که تدریس متون قدیمی و پیچیده جز در سال‌های آخر زبان‌آموزی مناسب نیست. آنان فرایند آموزش زبان را به صورت «گوش‌دادن» گفتن ← خواندن ← نوشتن» مجسم می‌کنند و می‌گویند: «کسی که یک شناخت واقعی و پویا یعنی شناختی مبتنی بر ساخت‌پذیری خودبه‌خود از یک زبان دارد، با رغبت بیشتری به مطالب نوشته‌شده به این زبان روی می‌آورد تا کسی که بایستی به زحمت معنی تک‌تک کلمات متن را کشف کند... آموزش زبان، قرائت متون را اجتناب‌ناپذیر می‌سازد، اما از سوی دیگر می‌توان گفت که قرائت پیش‌هنگام و نابه‌جای متون قدیمی، مغلق، یکنواخت و کسل‌کننده به ضرس قاطع بیش از آنچه محرک و تشویق‌کننده باشد برای تمایل زبان‌آموز در سهیم شدن با فرهنگ خارجی زبان‌بار است؛ بنابراین آیا واقعاً کار درستی است که با اجبار زبان‌آموزان به خواندن آثار دانته (برای زبان ایتالیایی)، سروانتس (برای زبان اسپانیایی)، کورنی (برای زبان فرانسه) [و متون جاهلی برای زبان عربی - نگارندگان] سعی کنیم آنان

۱. Van Passel

۲. De Grève

را سرخورده و مأیوس کنیم؟ زبان این نویسندگان نه تنها برای یک خواننده متوسط، زبانی است مهجور و قدیمی، بلکه حتی اهل آن زبان<sup>۱</sup> نیز - سوی روشنفکران - هرگز از آثار این نویسندگان به عنوان سرگرمی استفاده نمی‌کنند و محتوای عمیق آنها جز برای مردمی آگاه، قابل دسترس نیست» (باسل و گرو، ۱۳۶۵: ۱۹۰-۱۹۴).

دکتر محمدتقی غیائی، از دانش‌آموختگان دانشگاه سوربن پاریس و یکی از اساتید باسابقه زبان فرانسه در ایران که سال‌های طولانی در دانشگاه‌های تهران و تربیت‌معلم، انجمن فرهنگی ایران و فرانسه، پژوهشکده فرهنگ ایران و... به امر مقدس آموزش اشتغال داشت نیز در مقدمه کتاب خود، روش نو در آموزش زبان فرانسه، چنین می‌نویسد: «در ابتدا باید حدی از درک متن و قدرت بیان مقاصد را هدف آموزش قرار دهیم... بسیاری از مسائل فرعی دستور را کنار گذاشته و قواعد عملی و سودمند را تذکر دهیم... باید ابتدا متن‌های فاقد پیچیدگی را بیاوریم و از متن‌هایی که دارای واژه‌های دشوار و ترکیبات پیچیده است پرهیز کنیم تا روح زبان و واژه‌ها فراگرفته شود» (غیائی، ۱۳۶۲: ۷-۸). باید توجه کرد که حرکت تدریجی در آموزش زبان یا آنچه متخصصان امر از آن با عنوان توالی، مداومت و یکپارچگی یاد می‌کنند ناظر به همین مسئله مهم است. «غرض از یادگیری مداومت، آجر روی آجر گذاشتن و تکرار عناصر برنامه یک سطح نیست، بلکه بنا کردن تجربه بعدی روی تجربه قبلی است؛ به‌طوری‌که از ترکیب آن دو، معنا و مفهوم روشن‌تری در ذهن یادگیرنده ایجاد شود و عمق شناخت وی گسترش یابد» (تقی پور، ۱۳۸۹: ۱۸۵).

### ج) تفاوت در کیفیت آموزش واحدهای مربوط به زبان‌شناسی و نقد ادبی

این گروه از واحدها در رشته عربی با عناوین نقد ادبی، ادبیات تطبیقی و فقه‌اللغه و در رشته زبان و ادبیات فرانسه با عناوین آواشناسی، واژه‌شناسی، زبان‌شناسی عمومی، زبان‌شناسی ادبی، آشنایی با نقد ادبی و درآمدی بر ادبیات تطبیقی ارائه می‌شوند. همان‌طور که مشهود است سرفصل واحدها در این گروه از دروس تفاوت چشمگیری با هم ندارند اما متأسفانه به دلیل عدم به‌روزرسانی منابع مورد استفاده در گروه‌های عربی، میزان احاطه دانشجویان رشته زبان و ادبیات فرانسه با دانشجویان رشته عربی قابل مقایسه نیست. برای مثال دانشجویان رشته زبان و

ادبیات فرانسه در درس نقد ادبی عمیقاً با مکاتب ادبی و وجوه افتراق و اشتراک آنها آشنا می‌شوند و یا در دروس زبان‌شناسی بسیاری از مکاتب نقدی را فرامی‌گیرند، درحالی‌که دانشجوی رشته عربی تنها از نمونه‌هایی بسیار محدود از این مباحث آگاهی می‌یابد. اما از آنجاکه این مبحث نیز همانند آنچه در زمینه آموزش دستور زبان گذشت، کاملاً در حیطه نقد کتاب‌ها و روش‌های آموزشی است، از پرداختن به آن صرف‌نظر می‌کنیم و در این مجال مختصر تنها به یک نتیجه‌گیری کلی از مباحث مطرح‌شده می‌پردازیم.

### نتیجه‌گیری

بر اساس یافته‌های ما در این بررسی تطبیقی، برخی **نقاط ضعف** رشته زبان و ادبیات عربی عبارتند از:

۱. نگاه یک‌سویه دست‌اندرکاران به آموزش زبان عربی در کشور؛
  ۲. تقلید از برنامه درسی ارائه‌شده به عرب‌زبانان در زمینه آموزش ادبیات عربی؛
  ۳. تعجیل در ارائه متون سنگین ادبی به زبان‌آموز ایرانی؛
  ۴. بی‌توجهی به فناوری‌های نوین در روش‌های آموزش زبان دوم؛
  ۵. نادیده گرفتن میزان تسلط زبان‌آموز فارسی‌زبان بر زبان مادری؛
  ۶. اصرار بر تفکیک واحدهای درسی بر اساس ادوار تاریخی ادبیات عربی. و در مقابل، **علل موفقیت نسبی آموزش زبان فرانسه** را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:
    ۱. هدف‌گذاری‌های بلندمدت در راستای پاسخ‌گویی به نیازهای بازار کار؛
    ۲. تعریف برنامه درسی این مقطع بر اساس تأمین این نیازها؛
    ۳. غنای نسبی تعداد واحدهای ناظر به ارتقای مهارت‌های چهارگانه زبانی؛
    ۴. بنا کردن آموزش ادبیات بر پایه آموزش عمومی زبان؛
    ۵. تأخیر در مواجهه کردن زبان‌آموز با متون ادبی (به تفکیک نوع ادبی)؛
    ۶. به‌روز کردن منابع آموزشی در حوزه نقد و زبان‌شناسی.
- اما با توجه به اینکه اندک تغییرات ایجادشده در سرفصل دروس در برخی گروه‌ها موجب بهبود وضعیت دانش‌آموختگان شده، می‌توان نتیجه گرفت که ایجاد تغییرات اساسی به‌خصوص با کمک گرفتن از تجربیات رشته‌های هم‌شاخه در بلندمدت قطعاً بی‌ثمر نخواهد بود.

## چند پیشنهاد برای رفع نقص‌های موجود

با توجه به آنچه در صفحات پیشین ذکر شد، نگارندگان برای آغاز یک مسیر تحول جدی، ایجاد این تغییرات را پیشنهاد می‌کنند:

۱. نوع نگاه ما به این رشته و نیز به لزوم بازتعریف سرفصل دروس دوره کارشناسی آن تغییر یابد، چراکه تغییر نوع بینش سرآغاز تغییرات بعدی است.

۲. واحدهای تاریخ ادبیات و نصوص بیشترین حجم (و کمترین بازده) از مجموع واحدهای درسی دوره کارشناسی را اشغال کرده‌اند. لازم نیست که تمامی واحدهای کم‌فایده و بی‌شمار تاریخ ادبیات مانند تاریخ ادبیات جاهلی، اموی، عباسی، اندلس و... به طور مستقل ارائه شوند. برای تقلیل تعداد این واحدها به حداقل ممکن، سه راهکار وجود دارد:

الف) می‌توان این ادوار را به‌صورت دوتادوتا با هم تلفیق نمود و تحت عنوان یک درس دو واحدی تعریف کرد تا بدین ترتیب حداقل واحدهای درسی به‌وسیله آنها اشغال شود. مثال: تاریخ ادبیات دوره‌های جاهلی و اموی (۲ واحد) // تاریخ ادبیات دوره‌های عباسی و اندلس (۲ واحد) // تاریخ ادبیات دوره‌های انحطاط و معاصر (۲ واحد).

ب) می‌توان برای فهم بهتر متون ادبی، نصوص هر دوره را با تاریخ همان دوره تلفیق کرد و در مجموع به صورت یک درس دو یا سه‌واحدی تحت عنوان همان دوره ارائه کرد. مثال: تاریخ ادبیات و نصوص دوره جاهلی (۲ واحد) // تاریخ ادبیات و نصوص دوره عباسی (۳ واحد).

پ) می‌توان برای درک بهتر نصوص، متون ادبی هر دوره را البته به تفکیک نوع ادبی (شعر و نثر) با تاریخ ادبیات همان دوره ادغام کرد و در مجموع آنها را به صورت دو درس دو یا سه‌واحدی ارائه کرد. مثال: تاریخ ادبیات و شعر دوره جاهلی و اموی (۳ واحد) // تاریخ ادبیات و نثر دوره جاهلی و اموی (۳ واحد) // تاریخ ادبیات و شعر دوره عباسی (۲ واحد) // تاریخ ادبیات و نثر دوره عباسی (۲ واحد).

۳. به جای واحدهایی که در نتیجه یکی از روش‌های ادغام بالا (الف، ب، پ) خالی مانده‌اند، باید دروس دوواحدی به‌روزتر و کارآمدتری تعریف کرد که به تقویت مهارت‌های زبانی دانشجویان بینجامد. مانند دروس: خواندن متون ساده، مهارت‌های ترجمه، بیان شفاهی داستان، مناظره، سخنرانی، ترجمه هم‌زمان، گفت‌و شنود، آشنایی با لهجه‌های عربی، درک مفاهیم متن، آشنایی با اصطلاحات تخصصی، کارگاه ترجمه، وقایع‌نگاری، گزارش‌نویسی، آواشناسی زبان عربی، قرائت و ترجمه متون حقوقی، سیاسی، اقتصادی و...

۴. ارائه متون و نصوص ادبی را باید تا ترم پنجم تحصیلی دانشجوی مقطع کارشناسی به تعویق انداخت و تا آن زمان تنها واحدهای ارتقادهنده مهارت‌های زبانی، تقویت بنیه عمومی زبان دانشجوی و متون ساده را ارائه کرد.

۵. ضروری است که به مطالعات زبان‌شناسی توجه بیشتری شود و دروس دوواحدی زبان‌شناسی عمومی و زبان‌شناسی عربی، جایگزین درس فقه‌اللغه فعلی گردند.

۶. پیشنهاد می‌شود برای آشنایی دانشجویان با ابزارها و راهبردهای الکترونیکی آموزش و نیز نرم‌افزارهای پرکاربرد رشته، یک درس چهارواحدی یا دو درس دوواحدی با عنوان نرم‌افزارهای تخصصی عربی یا فناوری‌های نوین به مجموعه دروس افزوده شود.

۷. دانشجوی ایرانی رشته ادبیات در مرحله اول باید بتواند فارسی را خوب صحبت کند و خوب بنویسد؛ لذا افزوده شدن دو تا چهار واحد آیین نگارش زبان فارسی و یا ویراستاری فارسی پیشنهاد می‌شود.

۸. لازم است اساتید و پژوهشگران رشته عربی هر ساله در پژوهش‌های خود به نظریه‌پردازی‌های این‌چنینی بپردازند. می‌توان هر ساله در همایش سالانه مدیران گروه‌های عربی نتایج عینی اجرای این تغییرات را برای تبادل نظر به اطلاع بقیه همکاران رساند.

## کتابنامه

### الف) فارسی

#### ۱. کتاب‌ها

باسل، وان و گرو، دو (۱۳۶۵ش)، جایگاه زبان گفتاری و زبان نوشتاری در آموزش زبان، مترجم: ابوالحسن سروقد مقدم، بی‌ن، بی‌جا: معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی.

براون، اچ. داگلاس (۱۳۸۷ش)، اصول یادگیری و آموزش زبان، مترجم: منصور فهیم، چاپ اول (ویراست پنجم)، تهران: رهنما.

تقی‌پور، علی (۱۳۸۹ش)، برنامه‌ریزی آموزشی و درسی، چاپ سی‌ودوم، تهران: آگاه.

شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۸۹ش)، سند نقشه جامع علمی کشور، بی‌ن، تهران: بی‌نا.

غیاثی، محمدتقی (۱۳۶۲ش)، روش نو در آموزش زبان فرانسه، چاپ دوم، تهران: مروارید.

به‌توانی مهارت‌های دانشجویان رشته زبان و ادبیات عربی... علی‌اکبر نورسیده، ملیحه یعقوبی‌زاده

محسن‌پور، بهرام (۱۳۷۷ش)، برنامه‌ریزی آموزشی، چاپ دوم، تهران: مدرسه.

ورعی، سیدجواد (۱۳۸۵ش)، مبانی و مستندات قانون اساسی به روایت قانون‌گذار، چاپ اول، قم: دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری.

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری (۱۳۷۲ش)، مجموعه قوانین آموزش عالی تا پایان سال ۱۳۷۱ش، چاپ اول، تهران: بی‌نا.

## ۲. مقالات

اصغری، مهدی (۱۳۹۳/۶/۱۵ش)، «نشست تخصصی بررسی چالش‌های آموزش زبان عربی و اشتغال دانش‌آموختگان این زبان»، نشریه بازار کار.

ده‌باشی‌شریف، فروزان؛ بهمن زندی؛ سید محمدضیاء حسینی؛ عیسی ابراهیم‌زاده؛ احمد علیپور (۱۳۹۱ش)، «بررسی چگونگی توسعه مهارت‌های ارتباطی و توانش زبانی در آموزش مجازی در سطح دانشگاه‌ها»، فصلنامه پژوهش‌های زبان و ادبیات تطبیقی (جستارهای زبانی فعلی)، دانشگاه تربیت مدرس، دوره ۳۵، شماره ۲ (پیاپی ۱۰)، تابستان، صص ۸۵-۱۱۴.

میرزایی، فرامرز؛ علی سلیمی (۱۳۸۹ش)، «نقش‌آفرینی گروه‌های زبان و ادبیات عربی در توسعه علمی دانشگاه‌ها»، مجله انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی، انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی، شماره ۱۴، بهار، صص ۱۳۷-۱۱۹.

## ب) عربی

### ۱. کتاب‌ها

پاشازانوس، أحمد (۱۳۸۶ش)، الصرف ۱، الطبعه الأولى، طهران: پیام نور.

طعیمه، رشدی‌أحمد (۱۹۸۶م)، المرجع فی تعلیم اللغه العربیه للناطقین بلغات أخری، د.ط، مکه المکرمة: جامعه أم القرى.

### ۲. مقالات و پایان‌نامه‌ها

اسماعیلی، سجاد (۱۳۹۱ش)، تعلیم النصوص الأدبیه فی أقسام اللغه العربیه وآدابها بالجامعات الإيرانية ومدی تحقق أهدافه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: عیسی متقی‌زاده، تهران، دانشگاه تربیت مدرس.

جلایی، مریم؛ نرگس گنجی؛ سردار اصلانی (۱۳۹۲ش)، «دراسه مدى فاعليه تدريس الأدب العربی المعاصر تواصلياً على مهاره الكلام لدى طلاب العربيه الإيرانيين، جامعه إصفهان نموذجاً»، *مجله بحوث فی اللغة العربيه وآدابها*، دانشگاه اصفهان، شماره ۸، بهار و تابستان، صص ۲۷-۴۱.

متقی زاده، عیسی (۱۳۸۹ش)، «الحاجات اللغویه العلمیه لمتعلمی العربیه من الناطقین بغيرها»، *مجله الجمعیه العلمیه الإیرانیه للغه العربیه وآدابها*، انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی، سال ۶، شماره ۱۷، زمستان، صص ۶۲-۴۳.

### پ) سایت‌های اینترنتی

- پایگاه اطلاع‌رسانی دولت (۱۳۸۲ش)، <http://law.dotic.ir/AIPLaw/lawview.do>
- پایگاه گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه اصفهان (۱۳۹۳ش)، <http://fgn.ui.ac.ir/ShowPage.aspx>
- پایگاه گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه تهران (۱۳۹۳ش)، <http://literature.ut.ac.ir/arabic-lan>
- پایگاه گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه شهید بهشتی (۱۳۹۳ش)، <http://sbu.ac.ir/Cols/LAH>
- پایگاه گروه زبان و ادبیات فرانسه، دانشگاه تبریز (۱۳۹۳ش)، <http://literature.tabrizu.ac.ir/fa>
- پایگاه گروه زبان و ادبیات فرانسه، دانشگاه تهران (۱۳۹۳ش)، [http://ffll.ut.ac.ir/Group\\_User.asp](http://ffll.ut.ac.ir/Group_User.asp)
- پایگاه وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، آیین‌نامه‌ها و قوانین (۱۳۹۳ش)، <http://www.msrt.ir>
- پایگاه انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی (۱۳۹۳ش)، «نظرسنجی»، <http://arabiciran.ir>

### ت) منابع لاتین

- Chamot, Anna Uhl (۲۰۰۵م)، «Language learning strategy instruction»، **Current issues and research**, Annual Review of Applied Linguistics, Volume ۲۵, pages ۱۱۲-۱۲۰.
- Oller, j.w.jr. (۱۹۸۱م)، «Language as intelligence?»، **Language Learning**, Volume ۳۱, December, Issue ۲, Pages ۴۶۵-۴۹۲.
- Stern, H. H. (Hans Heinrich), (۱۹۷۰م)، **Perspectives on second language teaching**, Toronto: Ontario Institute for Studies in Education, Modern Language Center publications.

## تنمية مهارات طلاب فرع اللغة العربية وآدابها في إيران، عبر إعادة تعريف

### المقررات الدراسية لمرحلة الليسانس

#### مع الإهتمام بالمقررات الدراسية لفرع اللغة الفرنسية وآدابها

علي أكبر نورسیده<sup>١\*</sup>، ملیحه یعقوبی زاده<sup>٢</sup>

١. دكتوراه في اللغة العربية وآدابها

٢. طالبة ماجستير في اللغة العربية وآدابها بجامعة الشهيد بهشتي

### الملخص

لا يخفى على كلّ القائمين بالأمر في فرع اللغة العربية وآدابها في قطرنا إيران، أنّ حرجي هذا الفرع لا يزالون يفتقرون إلى المؤهلات والمهارات الفنية لملء فراغات المجتمع. وفي رأينا، لا يحول اليوم بين هذا الفرع وبين تحقيق أهدافه السامية من تعليم اللغة العربية وآدابها، إلا النقص الموجود في المقررات الدراسية ومناهج تعليمها في مرحلة الليسانس. إذن يسعى الباحثان في هذا المقال أن يقدموا مخططاً أحدث لطلاب مرحلة الليسانس في تقديم المقررات الدراسية لهم. ولاتتم هذه العملية إلا بتسليط الضوء على المقررات الدراسية ومناهج تدريسها في فرع اللغة الفرنسية وآدابها، لأنه قد جرب نجاحاً نسبياً في التربية الصالحة لمتخرجيه.

**الكلمات الرئيسية:** إعادة تعريف؛ المقررات الدراسية؛ تنمية المهارات؛ اللغة العربية وآدابها؛ اللغة الفرنسية وآدابها.